

تراغز

آنتولوژی غزل معاصر ترکی صالح سجادی

ادبیات ترکی پیش از اسلام

در دوره پیش از اسلام بر حسب کاوشهای انجام شده کتیبه‌هایی از واحه اورخون و سنگ‌نشته‌هایی از گوگ‌تورکها به‌دست آمده است. پیش از اسلام ترکان مذهب شمنی داشتند. گرچه برخی هم مانوی و شمار اندکی هم بودایی بودند اما شمنیزم و مانویت بیشتر در میانشان رواج داشت. شمنی‌ها و مانوی‌ها هر دو سرودهای زیبایی داشتند که برخی از آن‌ها هنوز هم در دست است. جورانس، در قرن ۵ میلادی اشاره به مرثیه آتیلا می‌کند که به وسیله شمنی‌ها ساخته شده بود و نیز محمود کاشغری در سوگ آپ ارتونقا (افراسیاب) مرثیه‌ای آورده که آن را مربوط به پیش از اسلام می‌داند. ترکان در آن سوی فرارود یعنی آن سوی سیخون و در شمال شرق چین و شرق کوه‌های اورال می‌زیستند و آثار به‌دست آمده از ایشان نیز عموماً از همان مناطق است.

درباره حماسه دده قورقود می‌توان گفت: که هرچند از ظاهر کتاب به‌نظر می‌رسد مربوط به دوران پس از اسلام باشد اما در یک بررسی دقیق‌تر عمر آن به قرن‌ها قبل از اسلام می‌رسد. یگانه نسخه خطی قدیم این کتاب در کتابخانه سلطنتی آلمان موجود بود، و برای نخستین بار فردی به‌نام فلیشر هنگام تنظیم کاتالوگ کتابخانه سلطنتی به این کتاب برخورد کرد، اما چون معلوم نبود که چه کسی این داستان‌ها را پیش هم جمع کرده و به صورت کتاب درآورده است و فقط پشت صفحه اول کتاب نوشته شده بود که این نسخه در قرن دهم هجری به کتابخانه احمد پاشا وارد شده است، لذا فلیشر آن را جزو آثار قرن شانزدهم میلادی قرار داد.

در اوایل قرن ۱۹ دیتس [Ditz] دانشمند و زبان‌شناس آلمانی یک نسخه از این کتاب را استنساخ کرد و سپس بر روی آن به تحقیق پرداخت و داستان کشته شدن «باسات به‌دست تپه‌گوز» را به آلمانی ترجمه نموده به چاپ رسانید. پس از دیتس، پروفیسور نولدکه [Noldeke] در سال ۱۸۵۹ تمام نسخه خطی دده‌قورقود را نسخه‌برداری و ترجمه کرد ولی چون قسمت زیادی از داستان‌ها را نتوانست بخواند، لذا از چاپ آن خودداری نمود. دانشمند شهیر روسی و. بارتولد [V. Bartold] با استفاده از تحقیقات و یادداشت‌های نولدکه، دنبال کار او را گرفت، و در سال ۱۸۹۴ در مطبوعات کشور امپراتوری

مطلبی را که در پیش رو دارید مقدمه کتاب (سینه‌مین طاقچاسی سازدان دولودور) یا آنتولوژی غزل معاصر ترکی است.

هنگام گردآوری این کتاب فکر نمی‌کردم با وجود تمایلات روزافزون شاعران جوان ترکی نویس کشور به شعر آزاد، جانی برای غزل ترکی باقی مانده باشد و می‌پنداشتم کم‌کم باید ملت آذربایجان غزل ترکی را فراموش کنند. قصدی هم برای نوشتن مقدمه برای کتاب نداشتم اما با دیدن غزل‌های زیبا مدرن و مخصوصاً سالمی (از نظر رعایت نحو و کلام ترکی) که از ترکان سراسر کشور به دستم رسید حیرت‌زده شدم. حیرت هم دارد وقتی می‌بینی که هنوز در کنار پیرمردهایی که به غزل در اسلوب فضولی‌ها نسیمی‌ها و... وفادارند خیل عظیمی از جوانان هستند که مدرن‌ترین تجربه‌ها را به‌راحتی در فرم غزل به زبان ترکی انجام می‌دهند و راه آینده را برای این قالب باز می‌کنند و وقتی تصمیم برای نوشتن مقدمه گرفته و دنبال منابع لازم رفتم با دیدن فراز و فرود این قالب در فرهنگ آذربایجان و شاهکارهایی که بزرگان این مرزوبوم در این قالب هشتصد ساله در این فرهنگ آفریده‌اند بیشتر و بیشتر حیرت‌زده شدم به هر حال مطالب بسیار بالارزشی آموختم و امیدوارم توانسته باشم در حد وسع خود در مطلبی که از نظر می‌گذرانید ادای دین کرده باشم.

اما بررسی غزل ترکی، بدون شناخت از سیر ادبیات (حداقل ادبیات مکتوب) ترک و عوامل و شخصیت‌های بزرگ این سرزمین امکان‌پذیر نخواهد بود؛ لذا ابتدا نظری اجمالی بر سیر تحول ادبیات ترک و تأثیر آن بر شکل‌گیری غزل ترکی می‌اندازیم.

نیم‌نگاهی به سیر ادبیات ترک

به‌طور کلی ادبیات ترکی از لحاظ زبانی به دو گروه عمده زبانی (آذربایجانی و عثمانی) و از لحاظ زمانی به دو گروه (پیش از اسلام و پس از اسلام) تقسیم‌پذیر است که هر کدام در درون خود به شاخه‌های متنوعی تقسیم می‌شوند مثلاً ادبیات ترکی آذربایجانی بعد از اسلام را می‌توان به دو گروه قبل از صفویه و بعد از آن تقسیم نمود؛ یا ادبیات ترکی عثمانی، به گروه‌های قبل از عثمانی و بعد از آن، و بعد از تشکیل دولت ترکیه امروزی قابل تقسیم است. پیش از هر چیز اشاره‌ای گذرا به این تقسیم‌بندی‌ها می‌کنیم.

نظاره کتاب حماسه دده قورقود به‌نظر می‌رسد مربوط به دوران پس از اسلام باشد اما در یک بررسی دقیق‌تر عمر آن به قرن‌ها قبل از اسلام می‌رسد



شماره ۶۵
پیاپی ۱۳۸۸

روسیه، نخستین اطلاعات را دربارهٔ این کتاب در اختیار دانشمندان قرار داد و قسمت‌هایی از آن را نیز به زبان روسی ترجمه و منتشر نمود. این کار، مورد استقبال شایان مستشرقین روسی واقع شد و دربارهٔ زبان و زمان پیدایش و تدوین داستان‌ها و شخصیت دده‌قورقود تحقیقات مفصلی به عمل آمد و مقالات متعددی نوشته شد، و بعضی آن را زبان باستان آذربایجان پنداشتند و پاره‌ای کوشیدند به قهرمان‌های آن داستان‌ها شخصیت تاریخی بدهند و حتی عده‌ای از آنان پا را از این حد هم فراتر نهاده در صدد جست‌وجوی قبر دده‌قورقود برآمدند و حدس‌هایی زدند که از آن جمله تصور وجود قبر وی در شهرهای دربند و اخلاط و ساحل رودخانهٔ سیردریا می‌باشد.

ادبیات ترکی پس از اسلام

پس از اسلام بر اثر دین جدید و بر خورد با ایرانیان و مسلمانان تغییراتی در زبان و سبک زندگی ترکان به‌وجود آمد و به سرزمین‌های جنوبی‌تر وارد شدند. ادبیات ترکی در حقیقت به‌صورت کتبی از همان دوره شکل گرفت و نخستین کتاب ادبی این دوران، «قوتا دوغو بیلگ» است که در قرن ۱۱ میلادی نگاشته شده است. آثار ادبیات ترکی و ادیبان مشهور ترک پس از اسلام تا شروع امپراتوری عثمانی:



• قوتا دوغو بیلگ: به معنی دانش مقدس نوشتهٔ یوسف بالاساغونی که در سال ۱۰۶۹ میلادی به پایان رسید و تقدیم خاقان قراخانیان شد. این اثر به صورت هجایی و بر وزن شاهنامه سروده شده است، ۶۶۴۵ بیت دارد و مضمون آن مانند سیاست‌نامه‌ها است.

• دیوان اللغات ترک: نوشتهٔ محمود کاشغری، فرهنگ‌نامه ترکی-عربی است.

• عتبه‌الحقایق: نوشتهٔ احمد یوکنکی در قرن ۱۲ میلادی در آسیای میانه نوشته شده و بر وزن هجایی بوده و کلمات فارسی و عربی زیادی در آن راه یافته است.

• حکمت‌ها: نوشتهٔ احمد یسوی - مؤسس فرقهٔ طریقت یسویه - که اندیشه‌ها و پندهای خود را در این کتاب نوشته است.

• احمد فقیه: اولین کسی است که در آسیای صغیر و در غرب آسیا به زبان ترکی شعر نوشت. پیش از او کسی در غرب دریای خزر هنوز به ترکی اثری ننوشته بود و بدین ترتیب او را می‌توان پدر ادبیات ترکی آسیای غربی معرفی نمود. او کتابی به نام اوصاف مساجدالشریفه دارد. هم‌چنین ۸۳ بیت اخلاقی از او باقی‌ست که چرخ‌نامه نام دارد.

• شیاد حمزه: در همان زمان احمد فقیه است و مثنوی یوسف و زلیخا را او اولین بار به ترکی ترجمه کرده است که ۱۵۲۹ بیت دارد.

• خواجه دهخانی: او در قرن سیزدهم می‌زیسته و از او چند غزل و یک قصیده به‌جای مانده است.

آنچه عنوان شد آثاری است که از آغاز دوره اسلامی تا قرن ۱۴ به زبان ترکی نوشته شده است و به‌دست ما رسیده است. از این دوره به بعد ادبیات ترکی شدیداً تحت نفوذ ادبیات فارسی قرار می‌گیرد و بسیاری از آثار ادبیات فارسی به ترکی ترجمه می‌شوند. این دورهٔ جدید در ادبیات ترک با روی کار آمدن آل عثمان هم‌زمان است.

دورهٔ نفوذ ادب فارسی در آسیای صغیر

این دوره که از قرن ۱۴ با شدت یافتن تأثیرات ادبیات فارسی آغاز می‌شود با مهاجرت روزافزون ایرانیان آرامش طلب و جنگ‌زده به آسیای صغیر شدت می‌یابد و تقریباً اکثر کتابهای ادبیات فارسی به ترکی ترجمه می‌شود که بر غنا و ارزش ادب ترک می‌افزاید و آن را برای رشد همه جانبه آماده می‌نماید. این دوره تا قرن ۱۹ که ادبیات ترک تحت تأثیر ادبیات غرب قرار می‌گیرد پابرجاست.

ادبیات ترکی در سدهٔ چهاردهم میلادی

ادبیات ترکی چه در آسیای صغیر و چه در آسیای میانه که اکثر ترک‌زبانان در آن‌جا می‌زیستند در این دوره جهش پیدا می‌کند. این جهش از یک سو به‌خاطر قدرت یافتن امپراتوری عثمانی و از سوی دیگر به‌دلیل رواج زبان و فرهنگ ایرانیان در آن‌جاست؛ در این دوره تأثیرات عمیقی که مولوی در ادب ترک گذارده بود با یونس امره



تأثیرات عمیقی که مولوی در ادب ترک گذارده بود با یونس امره شکوفا می‌شود. فرقه مولونده به پامی شود و زبان فارسی در آن به مثابه زبان شعر درمی‌آید





شکوفای می شود. فرقه مولوی به پامی شود و زبان فارسی در آن به مثابه زبان شعر درمی آید. از آثار به دست آمده در این دوره می توان به قصص الانبیای را بگری اشاره نمود. شاعری گمنام نهج الفردیس را می نویسد. اولین خسرو و شیرین در ادبیات ترکی به دست شاعری به نام قطب به لهجای از آسیای میانه نوشته می شود. حسام کاتب مجموعه نامه عطار را ترجمه می کند. نسیمی هم در این دوره به زبان های ترکی، فارسی و عربی شعر می سراید. گلشهری منطق الطیر عطار را ترجمه می کند و عاشق پاشا هم در قرن ۱۴ اشعار صوفیانه می سراید. سولی فقیه داستانهای عاشقانه فارسی را ترجمه می کند. خواجه احمد بن مسعود مثنوی سهیل و نوبهار را از فارسی برمی گرداند. هم چنین او فرهنگ نامه سعدی را می نویسد. شیخ اوغلو قابوستامه و مرزبان نامه را ترجمه می کند و احمدی از بزرگ ترین شعرای ترک تقریباً اکثر مثنوی های عاشقانه فارسی را به ترکی برمی گرداند. توتماچی آثار عطار را ترجمه می کند و شاعری به نام محمد، عشق نامه را به ترکی تحریر می نماید. برهان الدین و کول مسعود و شیخ اوغلو صدرالدین هم از دیگر شعرای این عهد هستند.

ادبیات ترکی سده ۱۵ میلادی

اما در دوره های بعدی یعنی قرن ۱۵ به بعد ادبیات ترکی کم کم مستقل می شود. ترجمه آثار بالزرش و گران بهای فارسی مثل آثار عطار و سعدی و مولوی و نظامی و مانند اینها موجب غنی شدن ادب ترک شد و ادیبان ترک توانستند با این خمیرمایه به آفرینش آثار مستقل مخصوصاً در زمینه شعر دست زنده هر چند که تا پایان قرن ۱۹ هنوز تحت تأثیر فارسی بوده و فارسی نویسی و استفاده از کلمات و ترکیبها و تشبیهات فارسی، هر چه زمان می گذشت بیشتر و بیشتر می شد. یقینی، میرزا گدایی، سکاکی، امیری، لطفی و میرزا حیدر هم چنین مقیمی از شاعران مهم دوره نخست قرن ۱۵ هستند. در نیمه دوم قرن ۱۵، دانشمند بزرگی از ایل ترکمن به نام امیر علی شیر نوایی ظهور کرد. او که وزیر سلطان حسین بایقرا بود، آثاری به فارسی و ترکی دارد. اما شاهکارهای او همه به ترکی هستند. سلطان محمد فاتح نیز که خود امپراتور عثمانی بود، اشعاری به فارسی و ترکی دارد. مرجیمک احمد هم دیگر کسی بود که قابوس نامه را به ترکی برگرداند. در این دوره به دلیل هرج و مرج شدید و نبود قدرت مرکزی در ایران، و ادب پروری و فرهنگ دوستی سلاطین عثمانی، بسیاری از ادیبان ایرانی به آسیای صغیر کوچیدند. از دیگر شعرای آن عهد، احمد داعی است که آثار زیادی مشتمل بر دیوان اشعار ترکی و فارسی دارد که ترجمه جاماسب نامه و اشکال ناصر توسی و تذکره الاولیاء عطار از آن دسته است. شیخی معروف ترین شاعر این دوران است و اشعار زیادی از او به جا مانده است. احمد پاشا شاعر قصیده پرداز دیگر آن دوره است. بجای هم در همین دوره ابتدا کاتب بود سپس به شاعری روی آورد که

قرن ۱۶ میلادی ادبیات در آذربایجان با شاه اسماعیل صفوی کلید می خورد. حکیم صفوی نیز دیگر شاعر توانمند ترک زبان اهل بغداد است که به سه زبان ترکی، فارسی و عربی تألیفات دارد



شماره ۶۵ بهار ۱۳۸۸

به انصاف بسیار هم موفق بود و غزل های نابی می سرود. آق شمس الدین از دیگر دانشمندان صاحب نام ترک می باشد که آثاری از او به جا مانده است. مانیاس اوغلو مراد یونانی تبار کتاب ترجمه گلستان سعدی را به سلطان مراد عرضه کرد و احمد بیجان آثار مثنوی را تألیف نمود.

ادب ترک در سده ۱۶

در قرن ۱۶ میلادی ادبیات آذربایجان با شاه اسماعیل صفوی کلید می خورد. حکیم صفوی نیز دیگر شاعر توانمند ترک زبان اهل بغداد است که به سه زبان ترکی، فارسی و عربی تألیفات دارد. سلطان سلیم هم دیگر شاعر آن دوره است. در همین دوران در بالکان و اروپای شرقی، و نیز در سرزمین های عثمانی تألیفات انجام شد که گرچه بسیاری از آنها به فارسی بود اما



در آن میان ترکی نویسی هم مورد توجه بود. از میان آنها می توان به عدنی خانجیح و ایزید آگیچ و احمد سودی (شارح زبان فارسی و مصحح دیوان حافظ) فوزی مستاری، محمد نرگسی که تألیفات بسیار زیادی دارد، و توکلی دده ساریوللو، احمد صبوحی، احمد طالب، احمد رشدی و همچنین محمدرشید و علی زکی کیمیگر اشاره نمود. احمد یسری، شاهزاده بایزید و لدنی دیگر شعرای ترکی-فارسی گوی عثمانی محسوب می شوند. اولیا چلبی، در این اوان سیاحت نامه را نوشت. خیالی شاعر توانمند عثمانی، در این عصر متولد شد که به حافظ آسیای صغیر شهرت دارد. باقی و نوعی، از دیگر هم عصران او به شمار می آیند. اسحاق چلبی اسکویچ و آهی نیگبولویچ، هم در بالکان شاعری نمودند. هم چنین از دیگر شعرای بالکان می توان به حیرتی، اصولی و آگهی اشاره نمود. در تصوف هم، در قرن ۱۶ ابراهیم گلشنی ساریان امی سنان و شمس الدین سیواسی به شاعری پرداختند. لامعی از پرکارترین شاعران ترک است که در حیات ادبی خود بسیاری از آثار جامی و نظامی را به ترکی برگردانده است. او از آثار عنصری و اهلی شیرازی و فخرالدین اسعد گرگانی هم برگردان هایی دارد. یحیی بیگ هم مثنوی های زیبایی به ترکی سروده است. فلیلی چلبی، همایون نامه را نوشت. سهی بیگ تذکره هشت پهبست را تألیف نمود. در تذکره نویسی هم پیشرفت بسیاری حاصل شد و کتب بسیار زیادی تألیف گشت. از تألیفات اخلاقی سده ۱۶ به زبان ترکی جمال النصایح ابن کمال و اخلاق اعلائی عالی چلبی از آن دسته اند. سروی و شمعی نیز از نویسندگان پرکار نثر ترکی در سده ۱۶ میلادی هستند.

ادبیات ترک در قرن ۱۷

در قرن ۱۷ یحیا افندی و نفعی اهل ارزروم معروف ترین شعرا هستند. نشاطی هم از استادان بلامناع ادبیات ترک است که غیر از اشعار زیبای خود کتابی در قواعد فارسی دارد. ناللی، فهیم و نابی (شاعر



بزرگ و توانمند ترک‌زبان) و عطایی، از بزرگ‌ترین شعرای ترک در سده ۱۷ هستند. ریاضی هم اشعار و تألیفاتی در این دوره دارد. فایزی (روضه‌الاشعار و ساقی‌نامه) و سیدمحمدرضا (تذکره‌الشعرا) ویسی (خواب‌نامه و شهادت‌نامه) را در این عهد نوشتند. در این دوره و در ایران، میرزا مهدی خان استرآبادی فرهنگ‌نامه ترکی-فارسی سنگلاخ را نوشت.

نمونه ادبیات این دوران را در شعری از نفعی می‌توان سراغ گرفت:

**خسرو ذی‌شان کی خیل عسکری‌نین هر بیری
اردشیر و بهمن و افراسیاب روزگار**

ادبیات ترکی در قرن ۱۸

در قرن ۱۸ میلادی تحولی در ادب ترک پدید می‌آید و آن، این است که دیگر دوره جنگ‌ها به پایان رسیده و عیش و عشرت رواج می‌یابد. شعرا و ادیبان بزرگ ترک را در قرن ۱۸، که به عهد لاله مشهور است کامی، ذری و تائب و نیز جازم، ندیم، زیرک‌زاده، سامی، و وهبی و نحیقی در نیمه اول قرن، و نورس قدیم به‌همراه حشمت، شیخ غالب، اسرار، دهده سنبل‌زاده وهبی تشکیل می‌دهند. در زمینه تصوف جلوتی، بورسوی و حقی و ارزرومی ظهور می‌کنند. در نثر رامیز، صفایی، سالم از نام‌آوران این دوره‌اند و اسماعیل بلیغ (نخبه‌الآثار) را می‌نویسد.

ادبیات ترک در قرن ۱۹

در قرن ۱۹ شعر ساده‌تر شد و ترکیب‌های فارسی اندکی کمتر، ولی شاعر بزرگی برنخاست. غالب لفقوشجالی، اسکودارلی حقی، عارف حکمت و رستم پاشا و نیز واصف اندرونی، لیلی خانم و خواجه فهیم در نظم، و در نثر شفقت بغدادی، عبدالرحمن سامی پاشا شانی‌زاده و داوود افندی از معروف‌ترینان هستند. پس از این ادبیات ترکی در آسیای صغیر تحت تأثیر ادبیات فرانسسه و در آذربایجان و آسیای میانه تحت تأثیر ادبیات روسی قرار گرفت.

ادبیات معاصر ترک

در این دوره با تأثیرپذیری از اروپا، ادبیات ترک تغییر یافت. عبارات و کلمات فارسی کمتر شد و تأثیرات و عناصر اروپایی و غربی وارد ادبیات ترکی گردید. البته این دوره یکی از بهترین دوره‌های ادب ترکی است که دو تن از بزرگ‌ترین مفاخر ادب ترک و جهان به نام‌های ناظم حکمت و اورخان یاموک (برنده جایزه ادبی نوبل ۲۰۰۶) را عرضه نمود. شاعران بسیاری نیز پدید آمدند که مهم‌ترین آنها در ترکی استانبولی عبارت‌اند از: ناظم حکمت، تورگوت اویار، جمال ثریا، توفیق فیکرت، یحیا کمال، اورحان ولی، احمد عارف، شکوفه نهال و...

و در ترکی آذربایجانی، شاهمار اکبرزاده، بختیار وهابزاده، صمد وورغون، نصرت کسمنلی، محمد حسین شهریار و...

در همین اوان در زمینه داستان نیز تحولاتی ایجاد شد و رمان‌نویسی آغاز گشت. از میان نویسندگان بزرگ و بنام ترک در این دوره در ترکی استانبولی می‌توان به این نام‌ها اشاره نمود: نجاتی جومالی، عزیز نسین، اورهان کمال، هالیکارناس بالیکچیسسی، یاشار کمال، اورحان یاموک، ناظم حکمت و...

و در ترکی آذربایجانی می‌توان به: اسماعیل شیخلی، محمد سعید اردوبادی، قوربان سعید، آنار، آفاق مسعود، ائلچین، کمال عبدا... و... اشاره کرد.

هم‌چنین از بعد تأثیرپذیری از ادبیات سایر ملل و برای بررسی دقیق‌تر دوره‌های ذکر شده به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

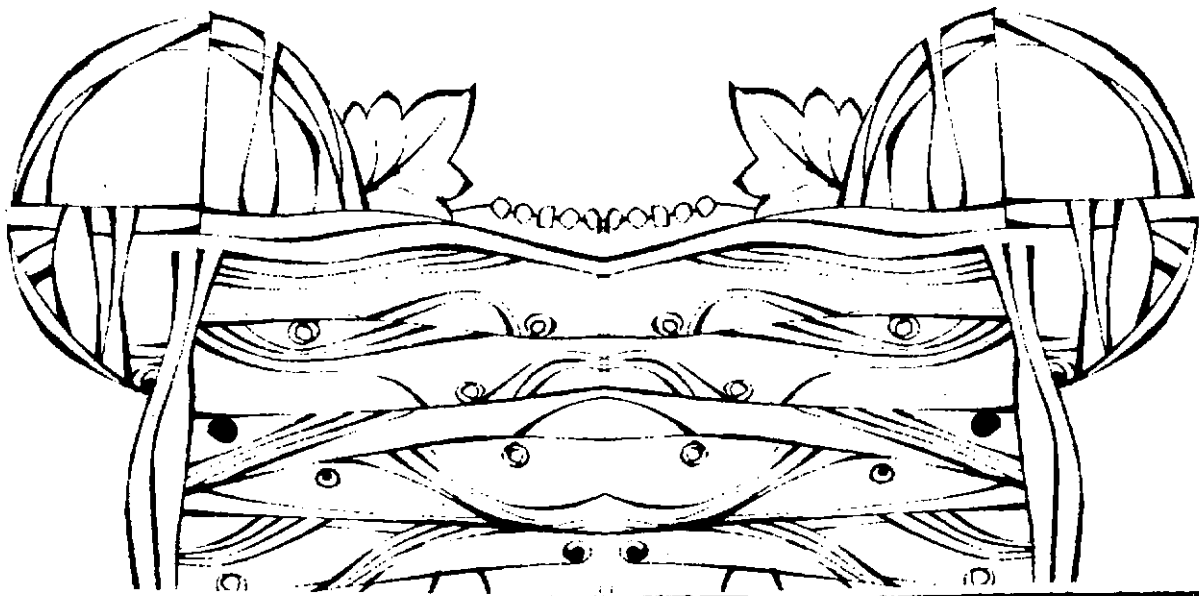
۱. مرحله تأثیر و نفوذپذیری از ادبیات فارسی و اسلام، ۲. مرحله تأثیرپذیری از ادبیات اروپایی

در مرحله اول ادبیات ترکی به معنای وسیع کلمه تابع ادبیات اسلامی و ملل مسلمان بود. دولت و حکومتی ترکی وجود داشت و دور این محور، ادبیات ترکی می‌چرخید و از مکاتب و مدارس ادبی اسلامی، ادبای ترک نیز فارغ‌التحصیل می‌شدند.

در قرن چهاردهم نسیمی (عمادالدین) شاعر مشهور منسوب به فرقه باطنی (گروهی که برای هریک از حروف قرآن، معانی خاص قائل می‌شد و به حروفیه معروف شد) ظهور کرد؛ تا جایی که وی را متهم به زندیقی کردند و کشتند.

بزرگ‌ترین
غزل‌سرای دربار عثمانی
محمود عبدالباقی بود.
وی نخست به کار
زین‌سازی اشتغال
داشت اما ناگهان از این
حرفه دست کشید و به
شاعری و مدیحه‌سرایی
پرداخت و از انعامات
سلطان سلیمان بهره
فراوان یافت





قرار داشت تا جایی که این شاعر را به وزارت خویش برگزید. احمدپاشا در سال ۱۴۹۶ درگذشت.

نجاتی از شاعران بزرگی است که اشعار بسیاری سروده است. او از مذاخان خاص سلطان محمد دوم و سلطان بایزید دوم بود و در سرودن غزل به ترکی مهارت بسیاری داشت و اشعارش از آثار پر اوج ادبیات ترک محسوب می‌گردد. وفات نجاتی در سال ۱۵۰۸ رخ داد.

بزرگ‌ترین غزل‌سرای دربار عثمانی محمود عبدالباقی بود، وی نخست به کار زمین‌سازی اشتغال داشت اما ناگهان از این حرفه دست کشید و به شاعری و مدیحه‌سرایی پرداخت و از انعامات سلطان سلیمان بهره فراوان یافت. در مرثیه‌ای که برای سلطان سلیمان سرود هیجان و التهاب بسیار دیده می‌شود.

از کتاب‌های مهم این دوران: کتاب سیاحت‌نامه اولیا چلبی است. در این قرن «ساز شاعر لری» به تعداد فراوان در میان فرقه‌های تصوف و سپاهیان وجود داشتند که بیشتر در فرقه مولویه، بکتاشیه و قزلباش و سپس انکشاریه بودند.

در قرن هجدهم، شعرایی هم‌چون خواجه راغب‌پاشا، شیخ غالب و ندیم ظهور کردند. این عصر در تاریخ ترکی به عصر خزامی معروف است. با این که در این دوره فتور و سستی در کار دولت پدید آمده بود اما سلطان عثمانی از علما و هنرمندان حمایت می‌کرد و وزیر او نیز در کمک به این امر مهم پیش‌قدم بود و بر اثر توجه و عنایت سلطان به امور علمی، هنری و ادبی، مجامع ادبی پیشرفته نیز در اسلامبول پدید آمد. شیخ غالب در کتابش حسن و عشق مطالب جالب ادبی آورده وی آخرین شاعر دوره نخستین ادبیات ترکی به‌شمار می‌رود.

عوامل تأثیرگذار بر روند شکوفایی ادبیات کلاسیک ترکی در ایران

با توجه به موضوع این مطلب که به بررسی سیر غزل ترکی در ایران می‌پردازد؛ بررسی عوامل و جنبش‌هایی که تأثیر انکارناپذیری بر این ادبیات داشته‌اند ضروری به نظر می‌رسد. مثلاً نمی‌توان از روی کار آمدن دولت صفویه و تأثیر انکارناپذیر آن بر سرنوشت ادبیات ترکی غافل ماند. هم‌چنین بر همگان آشکار است که ادبیات مرثیه و ادبیات عاشق‌های آذربایجان دو ستون محکم و تکیه‌گاه زبان ترکی و ادبیات

در قرن پانزدهم نام‌هایی از جمله: شیخی، احمد پاشا، نجاتی می‌درخشید و نام گروهی از علما که توجه فراوانی به فقه‌اللغة و اصطلاحات داشتند و آثار فارسی را به ترکی برمی‌گردانیدند و بر آن‌ها شرح می‌نوشتند بارزتر است. هم‌چنین در این دوره، ذکر اسامی سروری، سود و ابن کمال ضروری است.

در قرن شانزدهم ادبیات ترکی به اوج کمال رسید. چرا که سلیمان قانونی سلطان عثمانی، مردی شاعر بود و عده‌ای از ادبا را به دور خود جمع کرده بود. از سلمان قانونی دیوانی به‌جا مانده که تخلص او در آن محبتی است.

بزرگ‌ترین شاعران ترک این قرن، باقی و فضولی بودند و در این روزگار ادبیات ترکی، دیگر جنبه تقلید و دنباله‌روی از زبان و ادبیات فارسی نداشت و اشتباه است که اگر اشعار این دوره را ابتکاری ندانیم. کسانی که در معانی ادبی ترکی دقت دارند به‌خوبی متوجه می‌شوند که ادبیات این زمان دارای خیال و فکر تازه است و در آنها از فتوحات نظامی و اصلاحات داخلی دولت عثمانی، مطالب فراوانی به‌چشم می‌خورد.

در قرن هفدهم سبک و شیوه ادبیات فارسی، در نفعی، متجلی است؛ هم‌چنین در آثار شیخ الاسلام (یحیی افندی) که در غزل تفوق داشت. در این قرن نویسندگان مبرز و برجسته‌ای ظهور کردند. ادبیات ترک در دوران امپراطوری عثمانی رونقی فراوان یافت. حتی سلاطین عثمانی نیز شعر می‌سرودند؛ از جمله سلطان سلیم دیوانی از اشعار خویش دارد. تقریباً هر کسی که در عهد امپراطوری عثمانی سواد داشت شعر می‌سرود، در طی ۶ قرن حکومت امپراطوری عثمانی ۲۲۰۰ تن شاعر نام‌آور ظهور کرد که در بین آنان نام ۱۲ سلطان و عده زیادی شاهزاده ذکر شده است. این شاعران بیشتر در ستایش خداوند، سلطان زمان و معشوق شعرهای فراوان فراهم می‌ساختند.

احمدی سیواس از شاعران نام‌آور ترک که در سال ۱۴۱۳ درگذشت؛ از سبک نظامی گنجوی و اسکندرنامه وی الهام گرفت و در اثر خود از غلبه اسکندر بر ایران تا تاریخ، دین و فلسفه خاورمیانه را از ابتدا تا دوران سلطنت بایزید اول، به‌تفصیل شرح داده و به رشته نظم درآورد. اولین کسی که تاریخ ترکان را به نظم سرود؛ احمدپاشا یکی دیگر از شاعران بزرگ زبان ترکی بود که بسیار مورد توجه سلطان محمد دوم

قزلباشان هسته اصلی سپاه شاه اسماعیل را تشکیل می‌دادند. عامل ارتباط معنوی و ظاهری شاه اسماعیل با مریدانش نیز زبان ترکی بود. با به‌قدرت رسیدن شاه اسماعیل، زبان ترکی نیرویی دوباره گرفت



آن هستند که در ادامه بر این تحولات و نقش موارد ذکر شده، نظری اجمالی می‌اندازیم؛ البته چون ادبیات عاشق‌ها ادبیاتی ذاتاً شفاهی و هجایی‌ست و خود موضوعی مستقل و گسترده می‌باشد از بررسی آن صرف نظر می‌کنیم.

تأثیر صفویه بر ادبیات آذربایجان

سده دهم هجری / شانزدهم میلادی با حادثه بزرگی در ایران همراه بود. در سال ۹۰۷ ه.ق / ۱۵۰۲ م؛ اسماعیل صفوی از خاندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی، پس از ۱۲ سال تلاش و از میان بردن ۵۰ حاکمیت محلی، سرانجام در تبریز تاج‌گذاری کرد. او با محور قرار دادن مذهب تشیع، حکومتی یکپارچه و متمرکز ایجاد کرد.

شاه اسماعیل به دو نکته اساسی توجه داشت: یکی مذهب تشیع و دیگری زبان ترکی. اولی پایه و اساس قدرت‌گیری خاندان صفویه بود و دومی عامل بسیج هواداران صفویه. در سپاهی که شاه اسماعیل برای اجرای اهدافش گردآورده بود، قبایل ترکی چون شاملو، استاجلو، تکلو، روملو، افشار، ذوالقدر، قاجار و ارساق شرکت داشتند. این قبایل در زمان شیخ حیدر پدر شاه اسماعیل، با نام قزلباشان معروف شدند. شیخ حیدر به هوادارانش دستور داده بود که کلاه سرخ رنگ دوازده ترکی به نشانه ۱۲ امام بر سر بگذارند.

قزلباشان هسته اصلی سپاه شاه اسماعیل را تشکیل می‌دادند. عامل ارتباط معنوی و ظاهری شاه اسماعیل با مریدانش نیز زبان ترکی بود. با به قدرت رسیدن شاه اسماعیل، زبان ترکی نیرویی دوباره گرفت. شاه اسماعیل خود به ترکی شعر می‌سرود و ختایی تخلص می‌کرد. قسمت مهم اشعار او در عشق امام علی^(ع) و امامان شیعه است. در زمان شاه اسماعیل، قالب قوشما (دو بیتی ۱۱ هجایی)، به وسیله شاه اسماعیل و شعرای معاصر او توسعه یافت. قوشما، از وزن‌های هجایی معمول در میان اقوام ترک است. هر قوشما ۲ تا ۵ بند است.

نمونه‌ای از قوشما:

هرکیم شیخ صفی‌نین امرینی توتماز

یورلور بو یولدا منزله چاتماز

غیر میللت اوتا اعتبار اتممز

جومله عبادتین باشی دیر توحید

اشعار عاشقانه نیز با اوزان هجایی مانند قوشما، گرایلی (دو بیتی ۸ هجایی) و بیاتی (دو بیتی ۷ هجایی) در همین زمان پدید آمد. شاه اسماعیل خود غزل‌سرایی زبده بود. او از شاعران برجسته ترکی آذربایجانی است. نامه‌هایی که شاه اسماعیل برای پادشاهان عثمانی هم‌چون سلطان مراد و سلطان سلیم می‌نوشت، به زبان ترکی بودند.

زمانی که شاه اسماعیل تبریز را از سلطان مراد آغ‌قویونلو گرفت و علم شیعه‌گری برافراشت، ادیبان پارسی‌زبان دربار آغ‌قویونلو که عده‌ای از آنان سنی متعصب بودند، به عثمانی رفتند. این ادیبان هم‌چنان به کار ترویج زبان پارسی در عثمانی ادامه دادند. سلاطین عثمانی نامه‌های خود را برای شاه اسماعیل به فارسی می‌نگاشتند. اغلب شاعران آذربایجان در دربار صفوی گردآمده بودند. حبیبی شاعر معروف متولد برگشاد، ملک‌الشعرا دربار بود و شعری به فارسی از او در دست نیست. در دربار شاعران دیگری چون محمد امین سلطان ترکمان و برادرش محمد مؤمن‌بیگ به پارسی و ترکی شعر می‌سرودند. مولانا

کلب‌علی راغب تبریزی (وفات ۱۰۰۲ق)، عقیقی شروانی و قاضی اعرجی مراغی از شاعران این دوره هستند که هم به پارسی و هم به ترکی شعر گفته‌اند. صادق‌بیگ افشار تبریزی متخصص به صادقی، در نظم و نثر فارسی و ترکی جغتایی دست داشته است. دیوان غزلیات ترکی و منشآت ترکی دارد. معروف‌ترین اثر او تذکره مجمع الخواص در شرح احوال شاعران معاصر اوست که به زبان ترکی جغتایی نوشته و آقای عبدالرسول خیام‌پور استاد دانشگاه تبریز آن را به فارسی ترجمه کرده است.

علاوه بر آثار مکتوب، داستان‌های ترکی توسط عاشیق‌ها یا همان نوازندگان و خوانندگان دوره‌گرد در آذربایجان پدید آمدند. اینان دنباله‌رو اوزان‌های قدیمی بودند و وجود آن‌ها نشان‌گر عمق سیطره زبان ترکی به‌ویژه در روستاها و شهرهای کوچک است. از این داستان‌ها می‌توان به کوراوغلو، اصلی و کرم، قنبر و آرزو، شاه اسماعیل، عاشیق غریب و صنم و عاشیق عباس توفارقانلی اشاره کرد.

حقیری یکی از نمایندگان برجسته شعر آذربایجان در سده دهم است. وی چه در دیوان ترکی خود و چه در مثنوی لیلی و مجنون که آن را به ترکی نوشته، از شاعرانی چون جامی و هاتفی بسیار تأثیر پذیرفته است. در لیلی و مجنون او، تأثیر جامی افزون‌تر است. فردی اردبیلی از شاعران مکتب وقوع است که دیوان او به فارسی و ترکی در موزه بریتانیا موجود است.

بی‌تردید فضولی ستاره درخشان آسمان ادبیات آذربایجان و بزرگ‌ترین شاعر ترکی آذربایجانی در سده دهم است. محمد بن سلیمان بغدادی متخصص به فضولی (۱۵۵۶-۱۴۸۹م) بر دیگر شاعران برتری دارد. ادبیات ترکی با فضولی به اوج خود رسید. قبل از فضولی ادبیات ترکی آذربایجانی شکل‌هایی چون مثنوی و غزل را آزموده بود. فضولی خود استاد غزل بود. علاوه بر آن او نخستین آثار ارزنده تمثیلی را در ترکی آذربایجانی آفرید. (بنگ و باده - صحبت‌الانمار) فضولی مانند نسیمی کوشید تا شعر ترکی را با اوزان عروضی سازگار نماید و هر چند موفقیت چشم‌گیری به دست آورد، ولی واقعیت این است که ترکی با وزن هجایی سازگارتر است. او در ۹۴۲ لیلی و مجنون را به ترکی سرود. مثنوی بنگ و باده را به نام شاه اسماعیل تمام کرد. کتاب روضه‌الشهداء، تألیف ملاحسین کاشفی را به نام حدیقه‌السعداء به ترکی ترجمه کرد. فضولی حدیث اربعین از آثار جامی (شامل چهل حدیث) را به همراه معنی منثور و ترجمه منظوم، به ترکی برگرداند. او در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته است، یادآوری می‌کند که این «چهل دانه گوهر را برای فیض عموم» به ترکی ترجمه کرده است. از کتاب‌های دیگر او می‌توان به شکایت‌نامه (ترکی)، مطلع‌الاعتقاد (ترکی)، ساقی‌نامه (فارسی)، قصیده انیس‌القلب (فارسی) اشاره کرد. فضولی در هر سه زبان ترکی، فارسی و عربی آثاری بی‌بدیل داشته و به حق او را شکسبیر شعر ترکی می‌نامند.

در سال ۹۴۴ ه.ق / ۱۵۳۹م محمد بن حسین کاتب نشاطی شاعر معروف، کتاب روضه‌الشهداء نوشته ملاحسین واعظ کاشفی را با نام شهدانامه به ترکی ترجمه کرد. نشاطی این کار را به دستور شاه تهماسب و نیز تأکید قاضی‌خان سار و شیخ اوغلو حاکم شیراز انجام داد. از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک شناختی شهدانامه، استفاده مترجم

مژده خواندن در مرغ عزیزان از سنن‌های قدیمی است. ترک‌زبانان نیز شعرهایی را در قالب بیاتی می‌سرایند و با حالت خاصی موقع بزرگان قوم و قبیله و نزدیکان می‌خوانند.





شعر
مرثیه و شیوه‌های
عزاداری ترک‌ها به طرز
خاصی با هم عجیب
شده‌اند؛ یعنی کم‌تر شعر
آیینی ترکی هست که
نشود آن را در مجلس
عزای حسینی خوانند
چون شاعران آیینی ترک
شعرهایشان را فقط برای
خوانده شدن در مجالس
عزاداری اهل بیت می‌گویند



شماره ۶۵
بهار ۱۳۸۸

می‌توان نام برد. مرتضی قلیخان در اشعار ترکی خود، از حافظ و سعدی سود برده است. محمد حسین روانی در ۱۰۶۸ ه. ق. گلستان سعدی را به ترکی برگرداند. که نسخه‌ای از آن به خط مؤلف در کتابخانه ملی تبریز موجود است.

درآمدی بر ادبیات مرثیه در ادب آذربایجانی ذوالجناح اوستن بیخیلیدی چون صراط المستقیم سؤیله‌دی اول دم‌ده بسم‌الله الرحمن الرحیم

صراف تبریزی

(چون صراط‌المستقیم از ذوالجناح بر زمین افتاد در آن لحظه گفت بسم الله الرحمن الرحیم)
مرثیه خواندن در مرگ عزیزان از سنت‌های قدیمی است. ترک‌زبانان نیز شعرهایی را در قالب بایاتی می‌سرایند و با حالت خاصی موقع عزاداری برای فرزندان، بزرگان قوم و قبیله و نزدیکان می‌خوانند. ساغور، آغی و اوخشاما از جمله این عزاداری‌ها هستند. این رسم از زمان‌های خیلی دور بین آذری‌ها رایج بوده، مانند منظومه بسیار قدیمی آلب ارتونقا که شاعرش شناخته نشده است که به نظر عده‌ای این آلب ارتونقا، همان افراسیاب معروف شاهنامه است.

آلب ارتونقا اولدو می
ایس سبیز آجی قالدی می
اؤزلک اؤجون آلدی می
ایمدی یورک بیر تیلیر

...
(آیا آلب ارتونقا کشته شد؟
آیا فقط تلخی و ناکامی باقی ماند؟
آیا توانست انتقامش را بگیرد؟
حالا جگر پاره پاره می‌شود)

این نوع شعرها الان هم رواج دارد مثلاً این اوخشاما:
آغلایان باش دان آغلار
کیبیریک دن، قاش دان آغلار
قارداشی اولن باجی
دورار اوباشدان آغلار
(گریه کننده یک‌سره می‌گرید
او با مژه‌ها و ابروانش می‌گرید
خواهری که برادرش مرده است
وقت سحر برمی‌خیزد و گریه می‌کند)

مرثیه دینی

بعد از مسلمان شدن ترک‌ها و شیعه شدن آن‌ها کم‌کم مرثیه دینی در شعر ترکی برای خودش جایگاهی ویژه یافت. اسماعیل ختایی و محمد فضولی دو شاعری بودند که مرثیه را به‌عنوان یک گونه ادبی مطرح و پایه‌هایش را محکم کردند.

مثلاً اسماعیل ختایی این مرثیه را درباره عاشورا و امام حسین سرود:

بو گون ماتم گونو گلدی
اه حسین، وا حسین

از واژه‌های خاص گویش تبریزی است. به‌ویژه این که بیش‌تر این واژه‌ها برای نخستین بار وارد زبان مکتوب شده‌اند.
روحی انارجانی (انرجانی) یکی از شعرای معروف سده دهم است. او در زمان سلطان محمد خدابنده چهاردهمین پادشاه صفوی می‌زیست. به گفته محمدعلی تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان، او از شعرای نامور آذربایجان بوده و در نظم و نثر پارسی استاد و صاحب دیوان و منشآت است. تنها نسخه بازمانده رساله‌ای از او که به سال ۱۰۳۷ ه. ق. به خط فریدون گرجی نوشته شده، توسط عباس اقبال آشتیانی به چاپ رسیده است.

او رساله‌ای به زبان ترکی آذربایجانی نوشته است که شامل یک مقدمه، دو بخش و یک خاتمه است. مقدمه در خطبه و بیان سبب تألیف رساله است. بخش اول، در دوازده فصل و درباره رسم و آیین مردم تبریز است. بخش دوم، در چهارده فصل در بیان اصطلاحات و عبارات جماعت انانک و اعیان و اجلاف مردم تبریز است. خاتمه رساله دارای ۲۹ بیت در بی‌وفایی زنان و ۷ بیت عاشقانه است.

در سده یازدهم هجری نیز سیر تکاملی زبان ترکی ادامه یافت. صائب تبریزی (۱۰۱۶-۱۰۸۶ ق) معروف‌ترین شاعر این سده است که عنوان ملک‌الشعرایی را از شاه عباس دوم گرفت. صائب در شعر پارسی چیره دست و در ترکی شاعری زبده بود. نسخه دست‌نویس دیوان غزلیات ترکی او به وسیله پرفسور حمید آراسلی در دانشگاه لنینگراد پیدا و چاپ شده است. مجموعه اشعار ترکی صائب در باکو چاپ شده و برخی غزلیات او توسط بالاش آرزوگلو به نظم فارسی درآمد.

توتولموش کونلومو جام ایله شادان ائیله‌مک اولماز
ال‌ایلن پسته‌نین آغزینی خندان ائیله‌مک اولماز
از دیگر شاعران ترکی سرا می‌توان به قوسی تبریزی (دارای دیوانی با ۶ هزار بیت)، درویش مثلی فرزند میرزا چلبی تبریزی (که شعر ترکی‌اش بر اشعار عربی و فارسی رجحان دارد)، محمد تقی دهخوارقانی تبریزی (مرگ ۱۰۹۳ ه. ق) و شاکر شیروانی از شاگردان مکتب فضولی را

سنین در دین باغیریم دلدی
آه حسین، وا حسین

کربلا نین اؤنو یازی
اورینندن چیخماز سؤزی
یزیدلرمی قیردی سیزی؟
آه حسین، وا حسین

امروز روز ماتم آمد
آه حسین و وا حسین
درد تو سینهام را شکافت
آه حسین و وا حسین

ماجرای دشت کربلا
از دل تو بیرون نمی رود
آیا یزیدی ها شما را کشتند؟
آه حسین و وا حسین

مرثیه دینی که با شاعرهایی مثل اسماعیل ختایی و محمد فضولی پا گرفته بود در دوره قاجاریه به اوج خودش رسید. از آن زمان تا به حال شعرای زیادی ظهور کرده اند که همه هنر شعری شان را صرف شعر آیینی کرده اند؛ نظام الدین محمد توفارقانی، سید فتح مراغهای، حاجی خداوردی خوبی، سعدی زمان، ابوالحسن راجی، از شاعران قدیم، و منزوی، بیضای اردبیلی، یحیی و... در دوره معاصر. در آن سوی ارس هم شاعران مرثیه سرای زیادی ظهور کردند. مثل خورشید بانو ناتوان، سالک اردوبادی و عباسقلی آقا باکیخانوف.

دخیل مراغهای، صراف تبریزی، قمری دربندی و راجی تبریزی چهار شاعر بزرگ مرثیه ترکی هستند.

دخیل مراغهای در قرن سیزدهم در مراغه دنیا آمد. دخیل به شاعر

مقتل نویس معروف است؛ چون یک مقتل هفت جلدی به صورت نظم و نثر نوشته است:

باش و نرن من، باش کسن سن، قیل و قال اتمک نه چون

بیر نفر مظلومو اولدورمک ده بو غوغا نه دیر

ایندی یئل توفان اندر، توز توریاغی انیلر کفن

یار کویوندا شهیده خلعت دیا نه دیر

(سردهنده من، سربرنده تو، این قیل و قال چیست؟

برای کشتن یک مظلوم این غوغا چیست؟

اکنون باد توفان می کند و غبار را کفتم می نماید

برای شهید کوی دوست خلعت دیا چه معنی دارد؟)

قمری دربندی در سال ۱۳۵۰ قمری در شهر دربند داغستان روسیه

به دنیا آمد. دیوان قمری شهرت بسیار زیادی در بین ترک زبانان دارد.

او هم یک مقتل به نظم و نثر نوشته است.

ماه محرم اولدو گننه گوی لر اغلادی

دوشدو جهاننه غلغله، عالم لر اغلادی

(ماه محرم شد و دوباره آسمان ها گریستند

در جهان غلغله افتاد و دو عالم گریه کردند)

دیگر شاعر بزرگ ترک، صراف تبریزی است که در سال ۱۲۷۱ در



تبریز به دنیا آمد. صراف را می توان از بزرگ ترین شاعران دوران خود دانست.

ذره ذره دولدوروب از بس وجودون شور حق

کربلا دشتین اتدیب شور حسینیه طور حق

قیلیدی بو صورت له ذاتیندن تجلا نور حق

لن ترانی عقده سین حل ائتدی موسای کلیم

(از بس شور حق ذره ذره وجودش را پر کرده است

شور حسینیه دشت کربلا را میبدل به طور حق نموده است

با این کار نور حق از ذاتش تجلی نمود

در آن لحظه برای او گره و مشکل لن ترانی موسی حل شد.)

شعر مرثیه و شیوه های عزاداری ترکها به طرز خاصی با هم عجین

شده اند؛ یعنی کم تر شعر آیینی ترکی هست که نشود آن را در مجلس

عزای حسینیه خواند. چون شاعران آیینی ترک، شعرهایشان را فقط

برای خوانده شدن در مجالس عزاداری اهل بیت می گویند. یعنی شعر

آیینی همان نوحه و مرثیه است و بیشتر شعرهای مرثیه را می شود در

مجالس عزاداری خواند. مثلاً مثنوی در زمان خاصی از مجلس خوانده

می شود. در اصطلاح مرثیه به این مثنوی ها دویت می گویند، و یا

ترکیب بند و قوشم در شجاعت خوانی کاربرد دارد. از بیایاتی هم فقط

هنگام روضه خواندن استفاده می کنند.

در شعرهایی که موقع سینه زنی خوانده می شود یک یا چند بیت به

وسیله مردم تکرار می شود. این بیت که مهم ترین و قوی ترین بیت

شعر است باعث شده تا شاعرها موقع سرودن شعر، ابتدا به اصطلاح

یک شاهبیت بگویند و آن را در اول شعر بیاورند و بعد به سراغ اصل

شعر بروند.

اوخشاما اوج مرثیه

اوخشاما به زبان آوردن خصوصیات خوب اخلاقی و رفتاری شخص در گذشته بر سر مزارش است که با سبک و شیوه خاصی گفته می شود. اوخشاما آن قدر جانسوز است که هر کس معنی آن را هم نفهمد؛ به خاطر

اوخشاما
آن قدر جانسوز است که
هر کس معنی آن را هم
نفهمد؛ به خاطر لحن
خواندن اوخشاما تحت
تأثیر قرار می گیرد.
اوخشاما فقط در قالب
بیایاتی که یک قالب
خاص در شعر ترکی
است، گفته می شود.



شماره ۶۵
بهار ۱۳۸۸

صفات خوب و عالی را داشتند؛ اما به دست ظالمان زمان، مظلومانه و در عین قدرت و اقتدار کشته شدند. در نظر آن‌ها شهیدان کربلا همه خصوصیات یک انسان کامل را دارا بودند. به خواندن این شعرهای حماسی و یا شعرهایی که بر تری‌های بزرگان کربلا نسبت به دشمنان اهل بیت را نشان می‌دهد شجاعت‌خوانی می‌گویند. مداح یا شاعر، شعر را با شور و حرارت می‌خواند و در جایی که نکته خوب و مثبتی از قهرمان شعر گفته می‌شود، مکث می‌کند؛ در این وقت، حاضران با بلند کردن دست خود و گفتن عبارتهایی مثل به‌به و احسنت، حرف شاعر را تأیید می‌کنند. گاهی هم اهل مجلس به خواسته مداح، یک مصراع یا عبارت خاصی از شعر را به صورت دسته‌جمعی تکرار می‌کنند و در حقیقت، سخن پیام اصلی شعر را تأیید می‌کنند.

در شعر زیر که بخشی از یک ترکیب‌بند است؛ روح حماسی در مکالمه سیدالشهدا با حضرت زینب، هنگام آخرین وداع کاملاً مشخص است.

گندیرم نهضتیمی عالمه اعلان ائدرم
 متن و منشورومو بو مردمه عنوان ائدرم
 گر قبول ائتمه سه‌لر حق و حقیقت یولونو
 جانبیمی مکتب قورآنیمه قوربان ائدرم
 کرسی دینه ائدیپ تکیه جفاپیشیه یزید
 کاخ ظلمین باشینا شامیده ویران ائدرم
 دیل خوشام یاره گوره نیزه‌یه باشیم وورولا
 هر نه‌ییم واردی فدای ره جانان ائدرم
 دورد مین اوخ پیکریمه دیسه‌ده بیر آخ دنمه‌رم
 سر به سر مقتلیمی قان ایله الوان ائدرم
 دوشرم مقتله، اوخ‌لار سینم اوسته گول آچار
 سینهمی شوق ویصال ایله گولوستان ائدرم
 پنج‌تن دن گله‌جک مقتلیمه چار تنی
 بزم عرفانی بنا، اورد ا کماکان ائدرم
 عشق‌ده سعی ائله مندن سورا ثابت‌قدم اول
 اولوب عباس، گتیر پرچمی صاحب‌علم اول

(می‌روم تا نهضتم را به عالم اعلام کنم
 می‌روم تا متن منشورم را به این مردم عنوان کنم
 اگر راه حق و حقیقت را قبول نکنند
 جانم را فدای مکتب قرآن کنم
 یزید تکیه بر کرسی دین زده است
 در شام، کاخ ظلم را بر سرش ویران کنم
 دل خوش از اینم که سرم به‌خاطر دوست بر سر نیزه خواهد رفت
 هرچه دارم فدای راه جانان خواهم کرد
 اگر چهار هزار تیر هم به پیکرم بخورد، یک آه هم نمی‌گویم
 مقتلم را از خون خود خونین خواهم کرد
 به روی مقتل می‌افتم و تیرها در سینهام خواهند شکفت
 سینهام را به شوق وصال، گلستان می‌کنم
 چهار تن از پنج تن به مقتلم خواهند آمد
 من در آن جا بزم عرفان را برپا خواهم کرد
 سعی کن که بعد از من در عشق ثابت‌قدم باشی
 عباس کشته شده است، پرچم را بیاور و صاحب‌علم شو)



لحن خواندن اوخشاما تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اوخشاما فقط در قالب بایاتی که یک قالب خاص در شعر ترکی است، گفته می‌شود. بایاتی قدیمی‌ترین قالب شعر ترکی است. در حال حاضر بایاتی‌های زیادی وجود دارد که شاعر هیچ‌کدام از آن‌ها مشخص نیست. بایاتی چهار مصراع دارد. هر مصراع هفت هجایی به دو قسمت ۳ یا ۴ هجایی تقسیم می‌شود که در هر قسمت، باید یک کلمه یا جمله کامل بیاید.

بیلمه‌ین لر بیلدی گل
 غم اوریم بؤلدو گل
 پرچمیوه صاحب اول
 ابوالفضلین اولدو گل

(هر کس نمی‌دانست، خیردار شد
 غم، دلم را به دو نیم کرد
 پرچم را بردار
 بیا که ابوالفضلت کشته شد)

نوحه، مرثیه و عزاداری ترکی بخشی از اعتبار خودش را مدیون همین اوخشاماهای جانگداز است.

حماسه، بعد فراموش نشده مرثیه ترکی

یکی از تفاوت‌های اساسی عزاداری ترک‌ها با عزاداری مردم نقاط دیگر، زنده و پویا بودن روح حماسی در اشعار و در عزاداری‌های ترک‌هاست. خواندن شعرهایی در قالب‌هایی مثل مسقط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند و قوشما، شور و هیجان حماسی در مجلس به‌پا می‌کند. مخاطب ترک‌زبان بعد از شنیدن شجاعت‌خوانی، در دل خودش غرور و افتخاری نسبت به قهرمانان کربلا حس می‌کند و در نظر او این حس را ایجاد می‌کند که آنان قهرمانان و انسان‌های نیکی بودند که همه

خاکساری و فروتنی در مقابل خاندان رسالت کار بسندیده‌ای است، ولی این اظهار فروتنی باید از دایره آموزه‌ها و تعالیمی صورت گیرد و فراتر از آن مجاز نیست.

